

Legal personality, history, foundations and functions, with emphasis on comparative study of commercial companies in Iran and Roma-German legal systems (French and Germany)



Samira
Soleimanzadeh

Assistant Professor University of Tehran-Iran
soleymanzadehs@ut.ac.ir

Received: 2024-11-09

Accepted: 2025-04-13



تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی
Research and Development in Comparative Law



پژوهشگاه حقوق و قانون ایران
Iranian Law and Legal Research Institute

Abstract

There is a detailed history regarding the emergence of legal personality. This ancient history is rooted in several foundations that originate from a theoretical basis in each legal system. Each of these theories has its supporters and opponents in each legal system. Belief in each of these theories is reflected in the way laws are written regarding commercial companies and other entities with legal personality. The aforementioned foundations have also influenced the way judgments are made in the judicial system of each country regarding commercial companies and the statement of doctrine regarding legal personality. The aggregate theory of legal personality gives authenticity to the persons forming the company, while the hypothetical theory of legal personality considers authenticity to be from who authorized the formation of the company. Finally, the real theory of legal personality considers authenticity and reality to be from that legal personality and not external factors. The Iranian legal system in the field of commercial companies is mainly inspired by Roman-Germanic countries. It is

Journal of Research and
Development in Comparative Law

Iranian Law and Legal Research
Institute

Vol. 8 | No. 26 | Spring 2025
(Original Article)

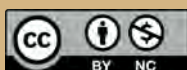
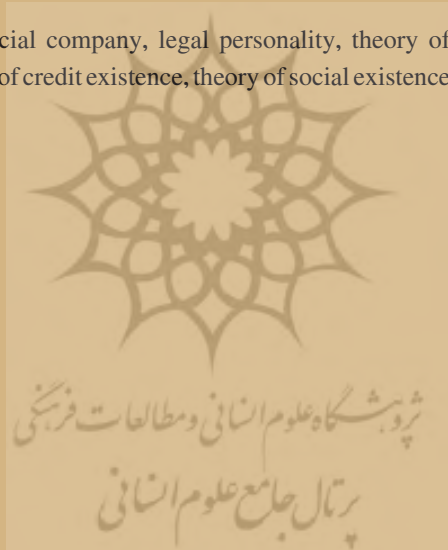
<https://jcl.illrc.ac.ir>

DOI:

10-22034/LAW-2025-2045235-1480

important to examine the principles of creating a legal personality and its impact on the way of legislating and judging legal personality. In this study, the author has tried to present the most important principles of legal personality in countries that were influential in the Roman-Germanic legal system, as well as evidence from that country's legal system regarding the acceptance of the aforementioned theories and their impact on the laws and regulations of that country. The author tries to analyze the principles of legal personality in a comparative manner and to express the approach of the Iranian legal system in the commercial companies sector as much as possible. This study has tried to present a comprehensive approach to Iranian law by examining all the commercial laws that have been approved and are being approved in Iran.

Keywords: Commercial company, legal personality, theory of real existence, theory of credit existence, theory of social existence



شخصیت حقوقی، تاریخچه، مبانی و آثار، با تأکید بر بررسی تطبیقی شرکتهای تجاری نظام حقوقی ایران و حقوق نوشته (فرانسه و آلمان)

استادیار دانشکده تجارت و بازرگانی دانشگاه تهران، ایران
soleymanzadehs@ut.ac.ir

سمیرا سلیمان زاده



تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۸/۱۹

چکیده

در خصوص نحوه بروز و ظهور شخصیت حقوقی، تاریخچه مفصلی وجود دارد. این پیشینه دیرینه، ریشه در مبانی متعددی دارد که در نظام حقوقی از یک پشتوانه نظری و تنوریک نشئت می گیرد. هریک از این تئوری ها در هر نظام حقوقی هواداران و مخالفان خود را دارد. پاور به هریک از این تئوری ها، در نحوه نگارش قوانین راجع به شرکتهای تجاری و سایر نهادهای واجد شخصیت حقوقی منعکس شده است. مبانی یادشده هم چنین در نحوه داورى و قضاوت در نظام قضایی هر کشور در خصوص شرکتهای تجاری و اظهار نظر دکتربین راجع به شخصیت حقوقی، اثرگذار شده است. تئوری اجتماعی بودن شخصیت حقوقی، اصالت را به اشخاص تشکیل دهنده شرکت می دهد در حالی که تئوری فرضی بودن شخصیت حقوقی، اصالت را از آن مرجع اعضای مجوز برای تشکیل شرکت می داند. در نهایت تئوری واقعی بودن شخصیت حقوقی اصالت و واقعیت را از آن شخصیت حقوقی می داند و نه عوامل بیرونی. نظام حقوقی ایران در بخش شرکتهای تجاری عمدتاً از کشورهای رومی-ژرمنی الهام گرفته است.

فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی

پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۸ | شماره ۲۶ | بهار ۱۴۰۴
(مقاله پژوهشی)

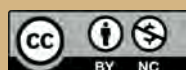
<https://jcl.illrc.ac.ir>

DOI:

10.22034/LAW.2025.2045235.1480

بررسی مبانی ایجاد شخصیت حقوقی و تاثیر آن در نحوه قانون‌گذاری و قضاوت راجع به شخصیت حقوقی واجد اهمیت است. در این پژوهش نگارنده سعی نموده است تا ضمن بیان مهم‌ترین مبانی راجع به شخصیت حقوقی در کشورهای تاثیرگذار در نظام حقوقی رومی ژرمنی، شواهدی از نظام حقوقی آن کشور در خصوص پذیرش نظریه‌های یادشده و اثر آن بر قوانین و مقررات آن کشور ارائه دهد. نگارنده سعی بر این دارد با تحلیل مبانی شخصیت حقوقی به صورت تطبیقی، رویکرد نظام حقوقی ایران را در بخش شرکتهای تجاری تا حد ممکن بیان نماید. این پژوهش تلاش نموده است که رویکردی جامع را در حقوق ایران با بررسی همه قوانین تجارت تصویب شده و در حال تصویب در ایران به خواننده ارائه دهد.

کلیدواژه‌ها: شرکت تجاری، شخصیت حقوقی، نظریه واقعی بودن، نظریه اعتباری بودن، نظریه اجتماعی بودن



مقدمه

حقوق شرکتهای تجاری مبتنی بر مفهوم شخصیت حقوقی است. شخصیت حقوقی مفهومی است که پیشینه آن به مبانی فکری متعددی بازمی‌گردد. درک مفهوم شخصیت حقوقی و شناسایی آن به عنوان موجود برخوردار از حقوق و تکالیف، در یک سیر تاریخی و با مبانی اندیشه ای متعدد صورت گرفته است.

در حقوق شرکتهای تجاری و تحول و انفکاک از ساختار قرارداد، کشورهای مختلف این فرایند در طول زمان شکل گرفته است (اسلامی پناه، ۱۳۹۸: ۱۱، صادقی نشاط، ۱۳۹۷: ۱۴). طبیعتاً در کشورهایی که رشد و رونق اقتصادی پررنگ تر و مهمتر بوده است، نیاز به یک بستر حقوقی برای ساماندهی فعالیتهای تجاری، بیشتر احساس می‌شود. از آنجا که حقوق یک دانش اجتماعی است، واکنش حقوقی به کنش های سیاسی و اجتماعی در کشورهایی که از حیث اقتصادی و تجاری پویاتر هستند نیز بیشتر دیده می‌شود. این موضوع در حقوق شرکتهای تجاری کاملاً محسوس است. بعد از انقلاب صنعتی در اروپا، کشورهای فرانسه و آلمان، به مهد سرمایه گذاری خارجی و داخلی در زمینه های تجاری تبدیل شدند و به همین دلیل است که حقوق شرکتهای تجاری نیز در این کشورها سابقه بیشتری دارد.

کشور ایران برای نخستین بار در سال ۱۳۰۳ هجری شمسی قانون تجارت را با الهام از کشورهای فرانسه و بلژیک به تصویب رساند^۱. مواد ۱۵ تا ۱۴۱ این قانون به بیان مقررات شرکتهای تجاری پرداخته است. این شرکتهای چهار دسته سهامی، ضمانتی، مختلط و تعاونی تقسیم می‌شدند. در فصل پنجم این قانون که به مقررات خاص راجع به شرکتهای تجاری پرداخته شده است، و مواد ۱۳۷ تا ۱۴۱ را به خود اختصاص داده است، سخنی درباره زمان آغاز شخصیت حقوقی به طور مستقیم یا غیر مستقیم نیامده است به نظر می‌رسد که این قانون، موضوع مهم مبنای شخصیت حقوقی و زمان آغاز آن را به درستی به دکتین وگذار کرده است. در قوانین ۱۳۱۰ و ۱۳۴۷ نیز در خصوص مبنای شخصیت حقوقی و زمان آغاز آن صحبتی به میان نیامده است. با این وجود در ماده ۲۰۸ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، درباره زمان خاتمه عملیات تصفیه، آمده است: «تا خاتمه امر تصفیه شخصیت حقوقی شرکت جهت انجام امور مربوط به تصفیه باقی خواهد ماند و مدیران برای تصفیه موظف به خاتمه دادن کارهای جاری و اجرای تعهدات و وصول مطالبات و تقسیم دارایی شرکت می‌باشند و هرگاه برای اجرای تعهدات شرکت معاملات جدیدی لازم شود مدیران تصفیه انجام خواهند داد.»

1. <https://shaghoor.ir/Files/tamin-ghanontejarat.pdf>

پس از قانون سال ۱۳۰۳، مجلس شورای ملی در سال ۱۳۱۰ قانون راجع به ثبت شرکتها را به تصویب رساند.^۲ قانون توجه این قانون نحوه برخورد با نمایندگی ها و شعب شرکتها را خارجی است^۳، به نظر می رسد که در ایران آن زمان، تمایل و اشتیاق برای ثبت شعب و نمایندگی های شرکتها را خارجی به حدی زیاد بوده است که در اندک فاصله ای بعد از تصویب قانون تجارت ۱۳۰۳، قانون گذار ناگزیر از شناسایی و به رسمیت شناختن اهلیت تمتع و استیفای شرکتها را خارجی بوده است. تصویب این قانون به طور ضمنی به دو نکته اشاره دارد نخست اینکه کشور ایران پیش از قانون یادشده فاقد مقرره ای برای شناسایی و نحوه برخورد با شخصیت های حقوقی خارجی بوده است. بنابراین مجلس شورای ملی، قانون یادشده را برای برآوردن این ضرورت به تصویب رسانده است. در توضیح می توان گفت، ماده ۱۴۱ قانون ۱۳۰۳^۴ نیز گرچه شبیه ماده ۱ قانون ثبت شرکتها مصوب ۱۳۱۰ است ولیکن به نظر می رسد ماده ای یکطرفه و برای تعیین تابعیت شرکتها ایرانی است بدون اینکه در مقام شناسایی شرکت های خارجی در نظام حقوقی ایران باشد. به موجب ماده ۱۴۱ قانون شرکتها تجاری مصوب ۱۳۰۳، کلیه شرکتها که در ایران تشکیل می شود، تبعه ایران محسوب است و باید مرکز اصلی آن در ایران باشد. ماده یادشده شعب و نمایندگی های شرکتها را خارجی را مدنظر قرار نداده است بلکه صرفا راجع به شرکتها ایرانی تعیین مقرر نموده است به عبارت دیگر، این ماده می تواند قرینه ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران باشد که مرجع انتساب تابعیت ایرانی اشخاص حقیقی در نظام حقوقی ایران است.

نکته دوم و حائز اهمیت تر این است که قانون راجع به ثبت شرکتها مصوب ۱۳۱۰ مقدم بر قانون تجارت ۱۳۱۱ به تصویب رسیده است. از این رو، نمی توان تاثیر نظام حقوقی کشورهای بیگانه را بر تمایلات حاکم بر قانون ۱۳۱۱ و سپس ۱۳۴۷ نادیده گرفت. زیرا تصویب قانون ۱۳۱۰ نشان می دهد که تمایلات برای ثبت شعبه یا نمایندگی شرکتها ثبت شده در نظامهای حقوقی بیگانه، در کشور ایران زیاد بوده است. بنابراین نمی توان تاثیر وجود شرکتها یادشده در ایران را بر فضای حاکم و سپس تغییر قانون تجارت، نادیده گرفت. نتیجه این وضعیت تصویب قانون ۱۳۱۱ تجارت ایران با الهام از قانون بازرگانی ۱۸۰۷ فرانسه موسوم به کد ناپلئون است.^۵

مطالعه این سیر تاریخی و درک این مبانی به تفسیر بهتر و موثرتر قوانین این بخش از نظام حقوقی مساعدت شایانی می کند. این مطالعه، علاوه بر اینکه افق روشنتری را به پژوهشگران برای مطالعات

2. <https://www.ekhtebare.ir/wp-content/uploads/2007/08/%E28%80%C3.pdf>

۳. هر شرکتی که در ایران تشکیل و مرکز اصلی آن در ایران باشد شرکت ایرانی محسوب است.

۴. کلیه شرکتها که در ایران تشکیل می شوند تبعه ایران محسوب است و مرکز اصلی آن باید در ایران باشد.

5. https://www.legifrance.gouv.fr/codes/texte_lc/LEGITEXT00000606944125-09-1807/

آتی اعطا می کند، می تواند به قضات، وکلا و داوران نیز رویکرد و قدرت درکی بدهد که قوانین و قواعد حوزه حقوق شرکتهای تجاری را به نحو مقتضی و کارآمد تفسیر نموده و به آنها استناد کنند.

به دلیل مشابهت ماهیتی و ساختاری قوانین ایران در حوزه شرکتهای تجاری به نظام های حقوقی کشورهای رومی ژرمنی و به طور خاص دو کشور فرانسه و بلژیک، هدف مطالعه را نظام های حقوقی یادشده قرار خواهیم داد. این تحقیق در دو بخش کلی ساماندهی می شود، بخش اول به مطالعه و بررسی پیشینه ایجاد و پذیرش شخصیت حقوقی از حیث تاریخی و بخش دوم به مبانی فکری پذیرش شخصیت حقوقی از منظر فلسفه حقوق خواهیم پرداخت. در قسمت پیشینه، نظام های حقوقی هدف مطالعه را مورد بررسی قرار می دهیم و سپس نظام حقوقی ایران را مطالعه خواهیم کرد. در بخش دوم به بیان مبانی پذیرش شخصیت حقوقی از حیث تئوریک و اندیشه ای و با رویکرد فلسفه حقوقی خواهیم پرداخت. مبانی یادشده که در یک سیر تاریخی و به تدریج، مطرح و نقادی یا پذیرش شده اند، در کشورهای مختلف به درجات گوناگون مورد استقبال واقع شده اند. در هر بخش و به مناسبت بیان هریک از خاستگاه های فکری، آثار حقوقی پذیرش هر رویکرد بیان و به تبع مثالهایی از قوانین و رویه قضایی کشورها طرح خواهد شد. نگارنده کوشیده است که قوانین اصلی نظام حقوقی ایران در بخش شرکتهای تجاری شامل قانون تجارت ۱۳۰۳، قانون راجع به ثبت شرکتهای مصوب ۱۳۱۰، قانون تجارت ۱۳۱۱، لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، قانون اجازه ثبت شعبه و نمایندگی شرکتهای خارجی در ایران مصوب ۱۳۶۷ و در نهایت لایحه تجارت مصوب ۱۴۰۳ را مورد بررسی قرار دهد. در پایان، نویسنده به بیان نتیجه و دستاوردهای حاصل از تحقیق خواهد پرداخت.

۱- پیشینه ایجاد و پذیرش شخصیت حقوقی شرکت

در این بخش ابتدا تاریخچه ایجاد شخصیت حقوقی بیان می شود. مرسوم است که همواره برای شناخت یک نهاد حقوقی در چیه ای به گذشته گشوده شده و در بستر تاریخ حقوق، نگاهی به پیشینه آن نهاد می شود. نگرش تاریخی به شخصیت حقوقی بیش از هر نهاد دیگری برای شناخت بهتر آن لازم است. زیرا پذیرش ماهیت اعتباری این نهاد توسط شهروندان، دولتها و به تبع قانونگذار، در یک سیر تاریخی قابل درک است.

۱-۱- نظام های حقوقی خارجی

در این قسمت ابتدا پیشینه شخصیت حقوقی را از حیث جهت و غایت مورد مطالعه قرار می دهیم و سپس به شرایط شکلی تاسیس و اداره شرکت خواهیم پرداخت، زیرا فرایند پذیرش شخصیت حقوقی و تحول آن، علاوه بر غایت شرکت، شرایط شکلی آن را نیز دستخوش تغییر قرار داده است.

از حیث غایت یا آنچه که می توان در حقوق قراردادهای ایران^۶ جهت نامید، نهاد شرکت از ابتدا نهادی در خدمت کلیسا و برای ترویج اهداف دین مسیحیت بوده است. در زمان ژوستینیان امپراتور روم^۷، شرکتها با اجازه دولتها ایجاد شده بودند. این نهادها تحت عنوان یا نام خاصی نظیر شرکت یا شخصیت حقوقی مطرح نبودند و با اسامی گوناگون^۸ ابتدا با اهداف تبلیغ دین و پیشبرد امور کلیسا تشکیل می شدند. با گذشت زمان، حوزه فعالیت این نهادها از امور دینی و تبلیغات مذهبی، به انعقاد قراردادهای گوناگون و امور تجاری گسترش یافت. در هر حال، از ابتدای قرون وسطی و حاکمیت کلیسا، شخصیت حقوقی به طور ضمنی در اذهان شهروندان، مورد پذیرش واقع شده است هرچند، به دلیل نبود سیستم تخصصی قانون گذاری، به سان امروز، به طور واضح و مشخص وارد نظام قانون گذاری و حقوقی نشده بود.

ادعا شده است که قدیمی ترین شرکت با هدف تجاری با عنوان استورا کوپاربرگ^۹، فعال در زمینه استخراج معادن در سوئد^{۱۰} بود که از پادشاه وقت در سال ۱۳۴۷ میلادی اجازه تاسیس گرفت. آن زمان نیز مقرراتی که بتواند موازن حاکم بر شرکتهای تجاری را نظام مند نماید، وجود نداشت و شرکتهای تجاری صرفا با این هدف تاسیس می شدند که وجودی بادوام تر از موسسان خود داشته باشند.

در قرن ۱۸ با ظهور انقلاب صنعتی و رشد رویکردهای لیبرالیسم و غلبه تفکرات سرمایه داری و اقتصاد آزاد، نیاز به افزایش تعداد شرکتها برای پیشبرد امور تجاری و سرمایه گذاری داخلی و خارجی، بیش از پیش ایجاد شد. به تبع این تحول سیاسی-اجتماعی، تغییراتی نیز از حیث حقوقی رخ داد که منجر به تمهید بستری مناسب برای نضج حقوق شرکتها مدرن شد، وضعیتی که امروزه در قوانین و رویه های قضایی کشورها، شاهد آن هستیم. به عبارت دیگر در یک سیر تاریخی و با تحولات سیاسی و سپس اقتصادی، بهره گیری از ساختار شرکت به یک ضرورت تبدیل شد و موضوع فعالیت و کارکرد آن از موضوعات دینی به تجاری تغییر کرد. تغییر در غایت بهره گیری از نهاد شرکت، تغییر در ساختار آن را نیز موجب شد. زیرا شخصیت حقوقی که پیش از آن برای جدایی اموال کلیسا از اموال رهبران مذهبی به کار می رفت، اکنون به ابزاری برای صیانت از دارایی های تجار تبدیل شده بود و کارکرد آن

۶. ماده ۱۹۰ قانون مدنی شرایط اساسی صحت معامله را این چنین برشمرده است ۱- قصد طرفین و رضای آنها
۲- اهلیت طرفین ۳- موضوع معین که مورد معامله باشد ۴- مشروعیت جهت معامله

بند ۲ ماده ۸ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت که متضمن موضوع شرکت به طور صریح و منجز به عنوان یکی از موضوعات مندرج در اساسنامه است، می تواند به دلالت التزام بیانگر جهت و غایت فعالیت شرکت باشد.

7.Justinian(527565-)

8. Universitas, corpus or collegium

9.Stora Koparberg

۱۰. گفته شده است که این معدن در بخش Faulen واقع شده بود.

در مرتبه نخست، صیانت از دارایی های ایشان و سپس خلق ثروت به منظور رونق اقتصاد یک کشور شد.

سیطره فعالیت کلیسا عمدتاً محدود و ایستا بود در حالی که گستره امور تجاری بسیار وسیع و پویا بود. بنابراین و تبعاً، استفاده از شخصیت حقوقی در آن بستر، قانون‌گذاران را ناگزیر از ایجاد تغییراتی در ساختار آن نهاد نمود. گویی اربابه ای سنتی که برای جابه‌جایی انسانها و اموال در جاده های خاکی، کارا و مفید بود، اکنون باید خود را برای حرکت در جاده های پرفراز و نشیب، به چندین اسب تیز پا مجهز می نمود و شاید بعد از تشدید نیاز به کارکرد مستمر و مداوم، ناگزیر از جایگزین شدن به وسیله ماشین های نوین می گردید^{۱۱}.

یکی از مهم ترین تحولات که عمدتاً جنبه حقوقی از نوع تنظیم گری داشت، حذف اجازه دولت برای تاسیس شرکت بود. قبل از تغییر هدف و کارکرد شرکت، مجوز نهاد صلاحیت‌دار در کشور برای تاسیس شرکت لازم بود اما بعد از تغییرات یادشده، به دلیل نیاز به سرعت و سهولت تاسیس شرکت، این اجازه حذف شد. به عبارت دیگر قبل از انقلاب صنعتی، اجازه دولتها به عنوان مرجع صدور مجوز برای تاسیس شرکت لازم بود^{۱۲} اما پس از شیوع رویکردهای مبنی بر اقتصاد آزاد، اجازه دولتها برای کسب مجوز به منظور تاسیس شرکت حذف شد. زیرا علاوه بر اینکه فرایندی زمان‌بر محسوب می شد، به دلیل اختصاص امور تجاری به دارایی های تجار و نه دولت، توجیه قابل قبولی نداشت. تحول یادشده بیشتر به نفع شرکتهایی بود که سرمایه آنها، آورده های هنگفت تجار بود.

ظهور مسئولیت محدود برای سهامداران، تحول دیگر این دوران است که تاکنون نیز پابرجا مانده است. این تحول بیشتر به سود شرکتهایی بود که سرمایه آنها دارایی های اندک شهروندان بود. با جایگزینی مسئولیت محدود به جای مسئولیت نامحدود، شهروندان ترغیب شدند که با آورده های اندک خود در تاسیس و راه اندازی شرکتهای تجاری مشارکت نمایند.

پس از تحول یادشده که تا ابتدای قرن نوزدهم ادامه یافت، دولت دیگر در فرایند صدور مجوز برای تاسیس شرکت و سپس اداره شرکتهای دخالتی نمی کرد و این تجار و شهروندان بودند که مدیریت دارایی های خود را از طریق شرکتهای تجاری به دست گرفتند. از این رو صیانت از ایشان برای ریسک پذیری

۱۱. این تحول و عدم کارایی به مرور در قرنهای بعدی نیز در قواعد دیگری خود را نشان داد. برای مطالعه بیشتر ر. ک به: سلیمانزاده، سمیرا، جنیدی، لعیا، عبور از قواعد سنتی شرکتهای تجاری در گروه شرکتهای تجاری، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی شماره ۹۸، بهار ۱۴۰۰، ۹۵-۱۲۶

۱۲. مقام صلاحیت‌دار در هر کشور برای صدور مجوز متفاوت بود و در این معنا، دولت به معنای عام کلمه و اعم از قوه مجریه استعمال می شد

و انجام سرمایه گذاری های خطرپذیر امری ضروری به نظر می رسد. برقراری مسئولیت محدود به میزان آورده هر فرد، برای سهامداران و عدم مسئولیت ایشان برای دیون شرکت و یا سایر شرکا، تا حد زیادی می تواند نیاز به صیانت یادشده را تامین نماید. جدایی دارایی های سهامداران از دارایی های شرکت که از نتایج پذیرش شخصیت حقوقی بود، به این صیانت کمک می نمود. پیش از این حدود مسئولیت سهامداران در برابر دیون شخص حقوقی و سایر شرکا مه آلود بود و مبنای مشخص و دقیقی نداشت، وضعیتی که شهروندان را برای سرمایه گذاری در شرکتهای تجاری، با ترس و تردید مواجه نموده بود.

تحولات یادشده از ابتدای قرن هجدهم تا اواخر قرن نوزدهم ادامه یافت. در آن دوران دو تحول یافته یعنی مسئولیت محدود و حذف اجازه دولت برای تاسیس شرکت، رشد درونی شرکتهای تجاری را موجب شد. شرکتهای با افزایش سرمایه بزرگتر می شدند سهم بزرگتری را از تجارت دنیا به خود اختصاص می دادند.

بعد از آن دوران، شاهد عدم تکافوی رشد درونی شرکتهای تجاری برای برآورده نمودن اقتضانات و نیازهای تجارت و سرمایه گذاری هستیم. در این دوران، شرکتهای از طریق رشد بیرونی و تملک سهام شرکتهای دیگر و گسترده نمودن قلمرو جغرافیایی فعالیت خود در ورای مرزهای کشورهای محل ثبت و تاسیس خود، بزرگتر و قوی تر شدند.^{۱۳} هرچند تاریخ دقیقی از زمان آغاز فعالیت شرکتهای فراسوی مرزهای جغرافیایی کشورهاشان در دست نیست اما نویسندگان زمان شروع فعالیت آن ها را به سال ۱۹۵۰ تخمین می زنند (Steiner, 1996).

یکی از مهمترین تحولاتی که در دوران اخیر در وضعیت شرکتهای تجاری رخ داد، تبدیل شرکتهای صرفا خصوصی و انحصاری به شرکتهای بزرگ و با مشارکت سرمایه های عموم مردم بود. در حالی که مدل ابتدایی شرکتهای تجاری، از طریق آورده محدود چند نفر (معمولا اعضای خانواده و گروه های دوستی) تشکیل شده بود، مدل جدید شرکتهای توسط عموم مردم و با عرضه های عمومی تامین سرمایه می شد. این تحولات یعنی توسعه فعالیتهای تجاری شرکتهای در ورای مرزها و سپس اتکای آنها به سرمایه های عموم مردم، از نیمه قرن بیستم تا کنون (Werhane, 2017:4) تاکنون ادامه دارد.^{۱۴}

در قانون مدنی یا قانون تجارت کشور فرانسه باب خاصی تحت عنوان شخصیت حقوقی تدوین نشده

۱۳. برای مطالعه بیشتر ر.ک به سلیمانزاده، سمیرا، ابراهیمی، سید نصرالله، اعمال فراسرزمینی قوانین و مقررات در گروه شرکتهای تجاری و بررسی مبانی آن، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۲۵، شماره ۹۸، مرداد ۱۴۰۱، صص ۳۵-۶۸

۱۴. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: سلیمانزاده، سمیرا، گروه شرکتهای تجاری، قانون حاکم و دادگاه صالح، چاپ دوم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۴۰۱، بخش اول

است اما احکام راجع به شخص حقوقی بعد از انقلاب فرانسه به طور پراکنده در مواد مختلف راجع به شرکت‌های تجاری آمده است (Maitland, 1905: 196). یکی از مهم‌ترین مواد قانون تجارت این کشور که شرط شناسایی شخصیت‌های حقوقی را بیان نموده است ماده ۱۲۳ است. طبق ماده ۱-۱۲۳ قانون تجارت فرانسه، کلیه شرکت‌های تجاری باید شخصیت حقوقی خود را در مرجع ثبت شرکت‌ها به ثبت برسانند. قانون‌گذار فرانسه در مواد بعدی یعنی ۲-۱۲۳، ۳-۱۲۳ و ۴-۱۲۳ همان قانون، ضمانت اجرای عدم ثبت شخصیت حقوقی را عدم اعتبار قانونی فعالیت‌های آن و به رسمیت نشناختن وجود اعتباری آنها اعلام نموده است.^{۱۵}

بر خلاف قانون فرانسه در قانون مدنی کشور آلمان بابتی تحت عنوان اشخاص حقوقی به تصویب رسیده است. پذیرش شخصیت حقوقی در این کشور به تبع کشور فرانسه صوت گرفته است (Maitland, 1905: 198). عنوان دوم از کتاب اول قانون مدنی آلمان که به اشخاص اختصاص داده شده است، احکام شخص حقوقی نظیر تشکیل، اداره، مقر و... را بیان نموده است.^{۱۶} در ماده ۲ قانون تجارت آلمان، شرط ایجاد شخصیت حقوقی شرکت ثبت در مرجع ثبت شرکت‌ها دانسته شده است.^{۱۷} بنابراین تردیدی در پذیرش شخصیت حقوقی و احکام و آثار آن در نظام حقوقی فرانسه و آلمان به عنوان نظام‌های حقوقی رومی-ژرمنی مرجع وجود ندارد.

۱-۲- نظام حقوقی ایران

گرچه نظام حقوقی ایران در قسمتهایی که واجد پیشینه شرعی و فقهی نیست، متأثر از نظام‌های حقوقی غربی و به طور خاص فرانسه و بلژیک است، لیکن تأثیر قابل توجه موازین فقهی در پذیرش و درک آن بخش نوظهور و اقتباسی از حقوق، انکارناپذیر است. شخصیت حقوقی یکی از نهادهای نسبتاً نوظهور است که با اندک مسامحه‌ای قابل مقایسه با نهاد وقف است (آقائظری، ۱۳۹۶: ۸۷).

نهاد وقف بنا به فرموده پیامبر اسلام حبس اصل مال و تسبیل آن در راه خداوند و با قصد قربت

15. Article 123-2: Legal persons must also have complied with the formalities specified by the legislation and regulations in force relating thereto.

16. [https://www.gesetze-im-internet.de/englisch_bgb/last visited: 042025/01/](https://www.gesetze-im-internet.de/englisch_bgb/last%20visited%3A04202501/)

17. A commercial entity whose commercial enterprise is not deemed to be a commercial business pursuant to Section 1 subsection (2) shall be deemed to be a commercial business within the meaning of this Code if the business name of the enterprise is registered in the Commercial Register. The entrepreneur is entitled, but not obliged, to effect registration pursuant to the provisions in force for the registration of commercial business names. If such registration has been effected, the business name can also be deleted upon application of the entrepreneur, unless the requirement laid down in Section 1 subsection (2) has been fulfilled in the meantime.

است (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۲). در وقف، فرایند حبس مال و تسبیل منافع آن در واقع گرچه مفید انتقال مالکیت به موقوف علیهم نیست ولیکن بنا به اجماع فقها متضمن انفکاک مالکیت از دارایی واقف است (فخلعی و دیگران، ۱۳۹۳: ۴). این جدایی مالکیت واقف نسبت به مال موقوف، تفکیک مالکیت بین سهامدار و شرکت نسبت به دارایی های شرکت را به ذهن متبادر می کند. هم چنین ترویج اخلاق حسنه و رهنمودهای دین اسلام و تسبیل منافع در راه خداوند متعال در نهاد وقف، مشابهت زیادی با استفاده از نهاد شرکت برای ترویج اهداف کلیسا در قرون وسطی دارد. مواد ۵۵ تا ۹۱ قانون مدنی ایران که در سال ۱۳۰۷ تصویب شده است و موخر بر قانون تجارت مصوب ۱۳۰۳ است.

بنابراین می توان گفت که مفهوم شخصیت حقوقی مستقل از شرکا، به رغم عدم پیش بینی در قانون تجارت، در نظام حقوقی ایران وجود داشته است. هرچند به تبیین مفاهیم مدنی و تجاری و عدم تبعیت وقف از کلیه احکام شرکتهای تجاری، واقف هستیم.

قبل از سال ۱۳۰۳، نظام حقوقی ایران فاقد مبنای حقوقی و قانونی برای شناسایی شخصیت حقوقی و به تبع شرکتهای تجاری بوده است. به نظر می رسد در ایران نیز، همانند کشورهای اروپایی شناسایی شخصیت حقوقی مقدم بر شناسایی شرکتهای تجاری بوده است. در سال ۱۳۰۳ اولین قانون تجارت به تصویب رسید و ماده ای برای شخصیت حقوقی به طور جداگانه در آن پیش بینی نشد. این قانون به طور خاص به شرکتهای تجاری پرداخته است. بعد از تصویب قانون تجارت ۱۳۱۱ و نسخ قانون ۱۳۰۳ بابتی به طور ویژه به شخصیت حقوقی و احکام آن اختصاص یافت که اعم از شرکتهای تجاری بود. بنابراین پیش از قانون ۱۳۱۱، گرچه شناسایی انواع دیگر شخصیت های حقوقی به جز شرکتهای تجاری نظیر موقوفه، در عمل وجود داشت، ولیکن فاقد مبنای قانونی مدون بود.

در قانون ۱۳۰۳ که مصوب مجلس شورای ملی بود، شرکتهای به دو دسته تجاری و غیر تجاری تقسیم شدند. مواد ۱۵ تا ۱۰۷ به شرکتهای تجاری اختصاص داشت که سه نوع سهامی، ضمانتی و مختلط بودند. ماده ۱۰۷ بدون اینکه به بیان غیرتجارتی بودن شرکت تعاونی به طور مستقیم بپردازد، وارد بحث شرکت تعاونی شده و آن را ذیل شرکتهای تجاری نیآورده است. بنابراین به دلالت التزامی می توان گفت از دید قانونگذار سال ۱۳۰۳، شرکت تعاونی، شرکت تجاری محسوب نمی شود. شرکتهای تعاونی نیز به دو قسم تعاونی تولید و تعاونی مصرف تقسیم می شدند. غیر تجارتی بودن شرکت تعاونی بار دیگر در ماده ۱۳۸ همان قانون مورد تاکید قرار گرفته است. طبق ماده ۱۳۸ قانون ۱۳۰۳ شرکتهای سهامی، ضمانتی و مختلط شرکت تجارتی محسوب و تابع قوانین و عرف و عادت تجارتی خواهند بود ولو این که معاملات یا اعمال آنها تجارتی نباشد.

بعد از تصویب قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱^{۱۸} دو تحول عمده در باب شخصیت حقوقی و شرکتهای تجاری رخ داد. نخستین تحول، مکان‌گزینی باب پانزدهم قانون تجارت تحت عنوان شخصیت حقوقی بود که در دو فصل به تصویب رسید و پیش از آن در قانون ۱۳۰۳ سابقه نداشت. دومین تحول، افزایش تعداد شرکتهای تجاری از سه شرکت به هفت شرکت بود که شرکتهای تعاونی را نیز در درون انواع خود جای می‌داد. همچنین تقسیم شرکتهای تعاونی به دو نوع تعاونی تولید و تعاونی مصرف، در قانون جدید نیز حفظ شد. البته لازم به ذکر است که در سال ۱۳۴۷ و تصویب لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، شرکتهای یادشده به هشت نوع تقسیم شدند و شرکت سهامی به دو نوع خاص و عام تقسیم شد.^{۱۹} متعاقباً در سال ۱۳۵۰ و ۱۳۷۰ قوانینی خاص شرکتهای تعاونی^{۲۰} و بخش تعاون^{۲۱} در نظام حقوقی ایران به تصویب رسید. در سال ۱۳۸۶ و هم‌زمان با تصویب قانون اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی ایران، شرکت جدیدی تحت عنوان شرکت تعاونی سهامی عام در نظام حقوقی ایران خلق شد. به موجب بند ۹ ماده ۱ قانون یادشده، شرکت تعاونی سهامی عام، نوعی شرکت سهامی عام است که با رعایت قانون تجارت و محدودیت‌های مذکور در این قانون تشکیل شده باشد.^{۲۲} بنابراین می‌توان گفت اکنون در بخشی از تاریخ حقوق ایران زندگی می‌کنیم که حدود یک قرن از شناسایی شخصیت حقوقی می‌گذرد و تعداد شرکتهای تجاری به ۹ نوع شرکت رسیده است.

ذکر جایگاه قانون راجع به ثبت شرکتهای مصوب ۱۳۱۰ و قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکتهای خارجی مصوب ۱۳۷۶ نیز در خصوص شناسایی شخصیت حقوقی شرکتهای خارجی مفید است. قانون راجع به ثبت شرکتهای مصوب ۱۳۱۰، ملاک ایرانی بودن هر شرکت، ثبت در ایران و تشکیل مرکز اصلی در ایران است. در این قانون اصل جواز شناسایی شخصیت حقوقی شعبه یا نمایندگی شرکتهای خارجی در ایران تصویب شده است و در قانون ۱۳۷۶ شرایط و ضوابط شناسایی شخصیت حقوقی این گونه شرکتهای بیان شده است.

در لایحه اصلاح قانون تجارت ایران که سال ۱۴۰۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، کتاب چهارم به اشخاص حقوقی اختصاص یافته است. کتاب اول این باب که مواد ۴۹۱ تا ۵۱۲ را به خود اختصاص داده است، احکام کلی راجع به شخصیت حقوقی آمده است. یکی از مهم‌ترین موادی که در این باب آمده است، ماده ۴۹۵ است که به تمام ابهامات راجع به زمان آغاز شخصیت

18. <https://www.codal.ir/Provisions/BusinessAct.htm>

19. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/96314>

20. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/96613>

21. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/91933>

22. <https://www.ekhtebare.ir/> قانون-اجر ای-سیاستهای-کلی-اصل-چهل-و-چهار

حقوقی پایان داده است. به موجب این ماده: اشخاص حقوقی خصوصی با ثبت نزد سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به عنوان مرجع ثبت اشخاص حقوقی که از این پس در این قانون مرجع ثبت نامیده می‌شود، ایجاد و دارای شخصیت حقوقی می‌شوند. تمدید مدت فعالیت شخص حقوقی، در صورتی که برای مدت معین ایجاد شده باشد نیز مشمول حکم این ماده است.

بنابراین تردیدی در پذیرش شخصیت حقوقی در حقوق ایران وجود ندارد. کلیه شرکت‌های تجاری به موجب ماده ۵۸۳ قانون تجارت فعلی دارای شخصیت حقوقی هستند و احکام شخصیت حقوقی در اغلب موارد در قانون مشخص است و توسط رویه قضایی و دکتین، تکمیل شده است.

۲- مبانی اندیشه‌ای پذیرش شخصیت حقوقی

در بخش دوم یعنی مبانی شخصیت حقوقی به این موضوع خواهیم پرداخت که پذیرش فکری شخصیت حقوقی به عنوان یک نهاد جعلی و اعتباری با چه مبانی‌ای صورت گرفت و با چه پشتوانه‌های فکری در قوانین و رویه قضایی کشورها وارد شد.

۲-۱- مبانی مورد پذیرش در نظام‌های حقوقی خارجی

در خصوص پذیرش شخصیت حقوقی رویکرد تاریخی را بیان نمودیم. به عبارت دیگر در رویکرد تاریخی به بیان این موضوع پرداختیم که نظام‌های حقوقی به خاطر ضرورت‌های تجاری و اقتصادی، شخصیت حقوقی شرکت را مورد پذیرش قرار دادند و آن را وارد متون قوانین خود نمودند. اما درک این پیشینه تاریخی، بدون بیان مبنای فکری این پذیرش، شناختی ناقص است. به عبارت دیگر چرایی این پذیرش نیز به اندازه تاریخچه آن مهم است.

۲-۱-۱ دیدگاه اجتماعی یا جمعی بودن شخصیت حقوقی شرکت

همان‌گونه که بیان گردید، در خصوص ماهیت شرکت یا مبنای شخصیت حقوقی آن، تئوری‌های مختلفی در کشورهای دنیا مطرح شده است. در ابتدا این تفکر غالب بود که هویت شرکت از اعضای آن یعنی از سهامداران و شرکای آن نشئت گرفته است. به عبارت دیگر معتقدان به این رویکرد بر این باور بودند که شخصیت حقوقی به خودی خود اصالت ندارد و این شرکا هستند که به شرکت، شخصیت حقوقی اعطا می‌کنند. این دیدگاه که موسوم به دیدگاه جمعی یا اجتماعی^{۲۳} بودن شرکت است، در واقع شرکت را اجتماع شرکا با منافع مشترک می‌داند و آن را با جامعه مقایسه می‌کند. قیاس

به این شکل ترتیب داده می شود که شرکت همانند جامعه است و همان گونه که شرکت وجودی مستقل از شهروندان خود ندارد، شرکت تجاری نیز همان اجتماع شرکاست و جدا از آنها موجودیتی ندارد. نتیجه این رویکرد، باور به وحدت شخصیت، وضعیت، اقامتگاه، دارایی و تابعیت شرکا و شرکت تجاری بود. عدم وجود باور به استقلال شخصیت شرکت، به حدی در این رویکرد قوی بود که برخی هواداران آن اعتقاد بر این دارند که شرکت صرفاً یک نام برای اجتماع شرکاست. (Dewby, 1926:657)

رویکرد یادشده که سالها بر ماهیت شرکتهای تجاری سایه افکنده بود، به تدریج ایرادات خود را هویدا نمود. به عنوان مثال زمانی که شرکای شرکتهای تجاری فوت می کردند یا ورشکسته و محجور می شدند، در مورد بقای شرکت تردید حاصل می شد. زیرا باور بر این بود که شرکت موجودیتی به جز اعضای خود ندارد. پای بندی به تمام نتایج این دیدگاه، منجر به انحلال شرکت می شد که خود آسیبهای تجاری، اقتصادی و گاهی سیاسی زیادی را به همراه داشت و نمی توانست صیانت کافی را از دارایی های سرمایه گذاران عمده و خرد به عمل آورد. این رویکرد در واقع به گونه ای منعکس کننده رویکرد حقوق طبیعی یا ناتورالیسم در فلسفه حقوق است. رویکرد یادشده اصالت را به ماهیت طبیعی و ذاتی اشیاء می دهد (O'connor, 2021:199) و برای موجوداتی که از اجتماع اشیاء حاصل می شوند، اعتباری جداگانه قائل نیست.

۲-۱-۲ دیدگاه فرضی یا جعلی بودن شخصیت حقوقی شرکت

در واکنش به ایرادات دیدگاه اجتماعی یا جمعی بودن شخصیت حقوقی شرکت، رویکرد جایگزین مجال بروز و ظهور و سپس رشد، پیدا کرد. این رویکرد که به فرضی یا جعلی بودن شخصیت حقوقی^{۲۴} موسوم است، بیانگر این است که اعتبار شرکتهای تجاری به واسطه اعطای شخصیت حقوقی آنها توسط دولتهاست. به موجب این رویکرد، شخصیت حقوقی نه به واسطه وجود اجتماعی از اعضای شرکت یعنی سهامداران و شرکا، بلکه توسط یک مجوز اعطایی از سوی دولت به وجود آمده و معتبر است. شخصیتی که به شرکا وابستگی ندارد و با فوت، حجر یا ورشکستگی آنها دستخوش آسیب یا نابودی نمی شود. در این رویکرد باور بر این بود که شخصیت حقوقی موجودیت و واقعیت دارد اما این شخصیت، یک وجود فرضی است که دولت آن را جعل و اعتبار نموده است. به عبارت دیگر مجوز دولت به شرکت، موجودیت می بخشد و همان مرجع نیز می تواند با سلب مجوز، به بقای شرکت خاتمه دهد. بنابراین حدوث و بقای شخصیت حقوقی شرکت در اختیار

24. Artificial entity theory , fiction theory, concession theory

دولتهاست و طبعاً دولت در این مفهوم، به معنای عام کلمه استعمال می شود.

این رویکرد گرچه توانست خلاهای رویکرد سابق را تا حدی برطرف نماید اما به طور کامل برای برآورده نمودن اهداف حقوق شرکتها کافی نبود. به عنوان مثال، در زمان تخصص بین کشورها که تغییر نظام سیاسی رخ می داد، تردید در بقای شخصیت حقوقی شرکتی که در زمان رژیم سابق ایجاد شده بود، یک تردید جدی محسوب می شد. همچنین بعد از حذف مجوز دولت برای تاسیس و فعالیت شرکتهای تجاری، این پرسش به وجود آمد که آیا شرکتی که بدون مجوز دولت تاسیس و اداره می شود، باز هم معتبر و دارای شخصیت حقوقی است یا خیر. این رویکرد که اعتبار نهاد حقوقی شرکت را از تبعات وجود دولتها و قانونگذاران می داند، نزدیک و متمایل به رویکردهای پوزیتیویستی یا مکاتب اثبات گرایی حقوق است. در این مکتب، اعتبار نهادهای و رویدادهای حقوقی، ذاتی نیست بلکه توسط ارزشهای اجتماعی ایجاد می شود (Atiq, 2022:40) و تبعاً با تغییر یا نابودی ارزشها، آنها نیز دستخوش تغییر یا نابودی قرار می گیرند. در قانون تجارت کشور فرانسه می توان نمودی از هواداری این رویکرد را یافت. به عنوان مثال، به موجب ماده ۱۸۴۲ قانون مدنی فرانسه: شرکتهای غیر از سرمایه گذاری مشترک مذکور در فصل سوم از تاریخ ثبت از شخصیت حقوقی برخوردار خواهند بود. روابط بین شرکا تا زمان ثبت به موجب قرارداد مشارکت و اصول کلی قانون حاکم بر قراردادها و تعهدات می باشد. هم چنین به موجب ماده ۱-۲۲۳ قانون تجارت کشور فرانسه: شرکت با مسئولیت محدود توسط یک یا چند نفر تاسیس می شود که فقط تا سقف آورده خود متحمل زیان می شوند. زمانی که شرکت فقط یک سهامدار داشته باشد، به این فرد «سهامدار انحصاری» می گویند. سهامدار انحصاری از اختیاراتی که به موجب مفاد این فصل به مجمع سهامداران واگذار شده است استفاده می کند.

اعتبار ثبت به عنوان نقطه اصلی تشکیل شخصیت حقوقی و اعتبار تصمیمات و تغییرات آن، یکی از نمودهای باور به رویکرد جعلی بودن شخصیت حقوقی شرکت و اهمیت مرجع ثبت به عنوان مرجع جعل شخصیت حقوقی است.

۲-۱-۳- دیدگاه واقعی بودن شخصیت حقوقی شرکت

در واکنش به بروز ایرادات و کاستی های نظریه فرضی بودن شخصیت حقوقی شرکت، دیدگاه جدیدتری تحت عنوان واقعی بودن شخصیت حقوقی^{۲۵} به جای دیدگاه یاد شده مطرح شد که تاکنون توان زیستن داشته است و به عنوان تئوری غالب بر حقوق شرکتهای امروزی شناخته می شود. نکته مهم، درک موضوع واقعی بودن در این رویکرد و رویکرد نخست است. در حالی که در رویکرد

اجتماعی یا جمعی بودن شخصیت حقوقی شرکت، واقعیت به شرکا انتساب داده می شود، در رویکرد اخیر، اصالت و واقعیت از آن شخصیت حقوقی است. این رویکرد که به عنوان رویکرد معاصر از آن یاد می شود، تأثیر زیادی را بر قوانین و مقررات کشورهای رومی ژرمنی داشته است، هرچند از این تئوری گاهی به عنوان استثنای تئوری فرضی بودن شخصیت حقوقی یاد می شود. واقعی بودن در این مفهوم به معنای وجود فیزیکی نیست، بلکه به معنای واقعی بودن آثار و نتایج حقوقی وجود شخصیت حقوقی شرکت است.

در حقوق فرانسه به عنوان مهم ترین نماینده کشور های عضو نظام حقوق نوشته، گرچه اعتبار ثبت شخصیت حقوقی شرکت و جدایی آن از شرکا^{۲۶} و به تبع محدودیت مسئولیت شرکا^{۲۷} پس از ثبت به عنوان یک اصل پذیرفته شده و در قانون تجارت این کشور منعکس گردیده است^{۲۸} اما می توان نمودهایی از باور به واقعی بودن شخصیت حقوقی شرکت در کنار واقعی بودن شخصیت شرکا را نیز دریافت. به عنوان مثال، طبق ماده ۲-۶۲۱ قانون تجارت فرانسه مصوب ۲۰۰۶، چنانچه تاجر اعم از حقیقی یا حقوقی ورشکسته شود، فرایند ورشکستگی (و به تبع مسئولیت شرکا) می تواند به واحد های تجاری دیگری که دارایی آنها با این شرکت اختلاط شده است و یا شرکتهایی که وجودی ساختگی دارند، نیز سرایت یابد^{۲۹}. سرایت ورشکستگی شرکت به شرکا، نمودی از واقعی بودن

۲۶. ماده ۱۸۴۲ قانون مدنی مصوب ۱۸۰۴ فرانسه (البته این قانون در سالهای متعددی اصلاح شده است و آخرین اصلاحیه آن در مارس ۲۰۱۷ صورت گرفته است اما این اصل ظاهراً مصون از تعرض باقی مانده است) بیان میکند:

Les sociétés autres que les sociétés en participation visées au chapitre III jouissent de la personnalité morale à compter de leur immatriculation. Jusqu'à l'immatriculation, les rapports entre les associés sont régis par le contrat de société et par les principes généraux du droit applicable aux contrats et obligations.

۲۷. ماده ۱-۲۲۳ قانون تجارت فرانسه مصوب مارس ۲۰۰۶ به مناسبت شرکت با مسئولیت محدود به محدودیت مسئولیت شرکا اشاره می کند

۲۸. در حقوق بلژیک که به حقوق فرانسه نزدیک است هم اصل استقلال شخصیت حقوقی به رسمیت شناخته شده است. در ماده ۲۱۰ قانون شرکتهای بلژیک مصوب ۱۹۹۹ آمده است که شرکت با مسئولیت محدود شرکتی است که شرکا در برابر شرکت مسئولیتی به جز آورده خود ندارند:

Art. 210. La société privée à responsabilité limitée est une société ou les associés n'engagent que leur apport et où leurs droits ne sont transmissibles que sous certaines conditions. Elle ne peut pas faire publiquement appel à l'épargne

علاوه بر این به مناسبت شرکت سهامی خاص که از انواع شرکتهای با مسئولیت محدود شمرده می شود در ماده ۴۳۷ آمده است:

Art. 437. La société anonyme est celle dans laquelle les actionnaires n'engagent qu'une mise déterminée

۲۹. ماده ۲-۶۲۱ قانون تجارت فرانسه مصوب ۲۰۰۷ مقرر می دارد:

Le tribunal compétent est le tribunal de commerce si le débiteur exerce une activité commerciale ou artisanale. Le tribunal de grande instance est compétent dans les autres cas. A la demande de

شخصیت حقوقی هر دو در کنار یکدیگر است.

این مفهوم همچنین از ماده ۱۲۴۲ قانون مدنی فرانسه قابل استنباط است. طبق این ماده شخص نه تنها نسبت به رفتار خود مسئول است بلکه نسبت به رفتار افرادی که تحت نظارت و مراقبت وی فعالیت می کنند نیز مسئولیت دارد.^{۳۰} از مفهوم مخالف این ماده می توان استنباط نمود که در فرضی که شریکی هدایت شرکت را بر عهده دارد می تواند به جای شرکت و در برابر اشخاص ثالث، مسئول قلمداد شود (Demeyer, 2015:390). به عبارت دیگر مسئول دانستن شرکت و به تبع مسئولیت سهامدار برای دیون شرکت در شرایط کنترل، یک مصداق از آثار واقعی بودن شخصیت حقوقی شرکت است. مثال دیگر، ماده ۱۱۶۷ قانون مدنی است^{۳۱} که به موجب آن به طلبکار اجازه می دهد که معامله متقلبانه ای را که میان دو نفر صورت گرفته است، باطل نماید. حقوق دانان فرانسوی یکی از مصادیق این ماده قانونی را انتقال دارایی میان شرکای یک شرکت دانسته اند و از این ماده به عنوان یکی از استثنائات رویکرد جعلی و فرضی بودن شخصیت حقوقی نام برده اند. از این مثال تحت عنوان مبنای سوء استفاده از حق نیز یاد می شود.

وضعیت در حقوق آلمان نیز مشابه حقوق فرانسه است. در کشور آلمان، ابتکار تئوری واقعی بودن شخصیت حقوقی به قضات و نظریه پردازان اجتماعی نسبت داده شده است (Micheler, 2021:19). به عبارت دیگر به رغم وجود اثر ثبوتی و اثباتی برای ثبت شرکت، می توان مثالهایی از باور به رویکرد سوم را به طور محدود یافت. فقدان حداقل سرمایه^{۳۲} یعنی حداقل ۲۵۰۰۰ یورو برای شرکت سهامی خاص موضوع ماده ۵ قانون شرکتهای سهامی آلمان و حداقل ۵۰۰۰۰ یورو برای شرکت سهامی عام موضوع ماده ۷ همان قانون، موجب مسئولیت شریک در برابر اشخاص ثالث است. رویه قضایی کاهش بیش از ۲۵ درصد سرمایه شرکت را نیز ملاک مسئولیت شریک در برابر اشخاص ثالث قرار داده

l'administrateur, du mandataire judiciaire, du débiteur ou du ministère public, la procédure ouverte peut être étendue à une ou plusieurs autres personnes en cas de confusion de leur patrimoine avec celui du débiteur ou de fictivité de la personne morale....

30. On est responsable non seulement du dommage que l'on cause par son propre fait, mais encore de celui qui est causé par le fait des personnes dont on doit répondre, ou des choses que l'on a sous sa garde.

31. Ils peuvent aussi, en leur nom personnel, attaquer les actes faits par leur débiteur en fraude de leurs droits. Ils doivent néanmoins, quant à leurs droits énoncés au titre «Des successions» et au titre «Du contrat de mariage et des régimes matrimoniaux», se conformer aux règles qui y sont prescrites.

32. Substantial Undercapitalization (Qualifizierte Unterkapitalisierung)

است.^{۳۳} همچنین، آمیختگی دارایی شریک با شرکت^{۳۴} که منجر به نقض اصل استقلال دارایی شریک از شرکت می شود، منجر به گمراهی اشخاص ثالث و از جمله طلبکاران و به تبع مسئولیت شریک در برابر ایشان می شود.^{۳۵} به عبارت دیگر از این مثالها می توان استنباط نمود که گرچه شرکا وجود واقعی دارند و شرکت توسط مرجع ثبت، به وجود می آید اما همچنان واقعیت دارد.

رویه قضایی کشور آلمان همچنین مصادیق دیگری را تحت عنوان مصادیق واقعی بودن شخصیت حقوقی به رسمیت شناخته است. عدم رعایت شرایط شکلی تشکیل شرکت^{۳۶}، سو استفاده از شخصیت حقوقی شرکت^{۳۷} و استفاده از آن به عنوان وسیله، انتقال اموال شرکت به شریک^{۳۸}، تخصیص هم زمان منافع به دو شرکت، عضویت در هیئت مدیره دو شرکت به طور هم زمان، رقابت با شرکت (Beinert, 1975:10)، مدیریت وجوه نقد فقط به اسم شرکت فرعی و مسئولیت سهامدار کنترلی از این قبیل مصادیق هستند^{۳۹}. لازم به ذکر است که تئوری مسئولیت اجتماعی شرکتها و مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی بر اساس تئوری واقعی بودن شخصیت حقوقی شکل گرفته است.

۲-۲- مبانی مورد پذیرش در نظام حقوقی ایران

در نظام حقوقی شرکتهای تجاری ایران که اکنون به واسطه قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱، لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، قانون راجع به ثبت شرکتهای تجاری مصوب ۱۳۱۰ و

۳۳. رای Judgment of July 8, 1970, BGH eingetragener Verein متضمن خرق حجاب شخصیت حقوقی شرکت بر اساس معیار کمبود سرمایه است.

34. Vermögensvermischung

35. Federal supreme court decision of 13 April 1994, WM1994, 896, Federal supreme court decision of 30th November 1978 NJW 1979, 2014

36. Sphaerenvermischung

37. Rechtsformmissbrauch

38. (1) the transfer of material assets from the company to a shareholder, (2) allocating the risks or losses of a certain business operation to a certain group company while at the same time allocating all of the opportunities, benefits or profits to another group company, (3) cash-management within a group of companies depriving the subsidiary of the liquidity necessary to meet its obligations, and (4) measures in connection with the integration into a group of companies (e.g. transfer of material business operations to other group companies; upstream guarantees).

39. Federal supreme court decision of 5th June 1975, BGHZ 65,15, ITT, Decision of 1st February 1988 BGHZ 103,184, Linotype, Decision of 20th March 1995 BGHZ 129, 136 Grimes

این مسئولیت به سهامداران کنترلی شرکتهای با مسئولیت محدود که غیر سهامی هستند، نیز سرایت داده شده است:

Federal supreme court 29 March 1993, 598, TBB

قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکتها خارجی مصوب ۱۳۷۶ اداره می شود، می توان شواهدی را برای پیروی از رویکردهای متعدد و متفاوت یافت.

لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ در ماده ۱۷ قبول مدیران و بازرسان را مبدا تشکیل شرکت تجاری در نظر گرفته است. به موجب این ماده: مجمع عمومی مؤسس با رعایت مقررات این قانون تشکیل و پس از رسیدگی و احراز پذیرهنویسی کلیه سهام شرکت و تأدیه مبالغ لازم و شور و باره اساسنامه شرکت و تصویب آن اولین مدیران و بازرسان شرکت را انتخاب می کند و نیز مجمع عمومی مؤسس روزنامه کثیرالانتشاری را که هر گونه دعوت و اطلاعیه برای صاحبان سهام تا تشکیل مجمع عمومی سالانه به طور منحصر در آن منتشر خواهد شد تعیین خواهد نمود. مدیران و بازرسان شرکت باید کتباً قبول سمت نمایندند. قبول سمت به خودی خود دلیل بر این است که مدیر و بازرسان با علم به تکالیف و مسئولیت های سمت خود عهده دار آن گردیده اند. از این تاریخ شرکت تشکیل شده محسوب می شود.

این ماده گرچه نشان دهنده غلبه رویکرد نخست یعنی اجتماعی بودن شخصیت حقوقی شرکت است ولی می تواند توابع و توالی ناکارآمدی را داشته باشد. به عنوان مثال، قبل از ثبت آخرین صورت جلسه هیئت مدیره در مرجع ثبت شرکتهای تجاری و انتشار آگهی روزنامه رسمی آن، نمی توان امضای افرادی که معامله ای را صرفاً با قبول سمت خود، منعقد و سپس اجرا نموده اند، از حیث حقوقی معتبر دانست.

علاوه براین، ماده یادشده گرچه در ابتدای لایحه تداعی گر رویکرد واقعی بودن شخصیت حقوقی شرکت است و با برخی مواد نظیر ماده ۵۸۳ قانون^{۴۰} و ماده ۱۵۰ لایحه^{۴۱} می تواند تقویت شود، اما می توان با دو استدلال خلاف آن را ثابت نمود (پاسبان، ۱۳۹۲: ۸۲). نخستین استدلال، یک رویکرد تاریخی نسبت به موادی است که پیش از این در خصوص شرکتهای سهامی در سال ۱۳۱۱ تصویب شده بود. مواد ۲۱ تا ۹۳ قانون تجارت گویای اعتبار ثبت و انتشار آگهی برای تغییرات شرکتهای سهامی است. ماده ۲۵ در خصوص لزوم ثبت انتقال سهام^{۴۲}، ماده ۳۴ در خصوص لزوم انتشار مبلغ

۴۰. ماده ۵۸۳ - کلیه شرکتهای تجارتی مذکور در این قانون شخصیت حقوقی دارند.

۴۱. در مورد تعهداتی که شرکت مختلط غیر سهامی ممکن است قبل از ثبت شرکت داده باشد شریک با مسئولیت محدود در مقابل اشخاص ثالث در حکم شریک ضامن خواهد بود مگر ثابت نماید که اشخاص مزبور از محدود بودن مسئولیت او اطلاع داشته اند.

۴۲. ماده ۲۵ - انتقال سهام با اسم باید در دفتر شرکت به ثبت برسد صاحب سهم باید شخصاً یا به توسط وکیل انتقال را در دفتر شرکت تصدیق و امضا نماید

پرداخت شده اسمی سهم^{۴۳} و منوط کردن تشکیل شرکت به تعهد و تأدیه صحیح کلیه سرمایه ها^{۴۴}، تبصره ماده ۴۵ درخصوص لزوم تعیین روزنامه ها^{۴۵} مثالهایی از لزوم تحقق ثبت وقایع و انتشار آنها برای ایجاد اثر حقوقی است. هم چنین در مواد بعدی لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، بارها از اعتبار ثبت تغییرات در روزنامه رسمی و انشمار آن به عنوان مبدا اثرگذاری تغییرات شرکت و به تبع پذیرش رویکرد دوم یعنی فرضی و جعلی بودن شخصیت حقوقی شرکت است (پاسبان، ۱۳۸۹: ۱۰). مواد ۴۶۱۹، ۴۷۲۲ و ۴۸۱۰۶، از این قبیل مثالها هستند که ثبت یعنی ضرورت صدور مجوز توسط مرجع صلاحیت دار دولتی (دولت به معنای عام کلمه) را ملاک اعتبار تشکیل، تغییرات، فعالیت و انحلال شرکت می دانند.

عدم تکافوی قبول سمت توسط اولین مدیران و بازرسان برای تشکیل معتبر شرکت، در سایر شرکتهای تجاری مورد پذیرش واقع نشده است (پاسبان، ۱۳۸۹: ۵۵). ماده ۹۶ درخصوص شرکتهای با مسئولیت محدود^{۴۹}، ماده ۱۱۸ درباره شرکتهای تضامنی^{۵۰} و ماده ۱۸۵ درباره شرکتهای نسبی^{۵۱} موبد عدم تکافوی قبول سمت توسط اعضای شرکت برای اعتبار شخصیت حقوقی هستند و گونه ای پذیرش رویکرد

۴۳. ماده ۳۴ - خواه در سهام بااسم و خواه در سهام بی اسم مادام که قیمت آنها کاملاً تأدیه نشده است باید آن مقدار از قیمت که پرداخته شده صریحاً روی سهم قید شود به علاوه شرکت مکلف است در هر گونه اسناد و صورت حسابها و اعلانات و نشریات و غیره که به طور خطی یا چاپی صادر یا منتشر می نماید میزان سرمایه خود و آن قسمتی را که تأدیه شده است صریحاً قید کند

۴۴. ماده ۳۸ - تشکیل شرکت های سهامی محقق نمی شود مگر بعد از آنکه تأدیه تمام سرمایه شرکت تعهد شده باشد لازم به ذکر است که به موجب ماده ۳۴، این موضوع منوط به انتشار است.

۴۵. تبصره - جرایمی که اعلانات فوق را باید منتشر نمایند همه ساله توسط وزارت عدلیه معین و اعلان خواهد شد

۴۶. ماده ۱۹ - در صورتی که شرکت تا شش ماه از تاریخ تسلیم اظهارنامه مذکور در ماده ۶ این قانون به ثبت نرسیده باشد به درخواست هر یک از مؤسسين یا پذیرهنویسان مرجع ثبت شرکت ها که اظهارنامه به آن تسلیم شده است گواهینامه ای حاکی از عدم ثبت شرکت صادر و به بانکی که تعهد سهام و تأدیه وجوه در آن به عمل آمده است ارسال می دارد؛ تا مؤسسين و پذیرهنویسان به بانک مراجعه و تعهدنامه و وجوه پرداختی خود را مسترد دارند در این صورت هر گونه هزینه ای که برای تأسیس شرکت پرداخت یا تعهد شده باشد به عهده مؤسسين خواهد بود

۴۷. ماده ۲۲ - استفاده از وجوه تأدیه شده به نام شرکت های سهامی در شرف تأسیس ممکن نیست مگر پس از به ثبت رسیدن شرکت و یا در مورد مذکور در ماده ۱۹

۴۸. ماده ۱۰۶ - در مواردی که تصمیمات مجمع عمومی متضمن یکی از امور ذیل باشد یک نسخه از صورت جلسه مجمع باید به جهت ثبت به مرجع شرکت ها ارسال گردد.....

۴۹. ماده ۹۶ - شرکت با مسئولیت محدود وقتی تشکیل می شود که تمام سرمایه نقدی تأدیه و سهم الشرکه غیر نقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد

۵۰. ماده ۱۱۸ - شرکت تضامنی وقتی تشکیل می شود که تمام سرمایه نقدی تأدیه و سهم الشرکه غیر نقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد.

۵۱. ماده ۱۸۵ - دستور ماده ۱۱۸ - ۱۱۹ - ۱۲۰ - ۱۲۱ - ۱۲۲ - ۱۲۳ در مورد شرکت نسبی نیز لازم الرايه است

نخست است. تقدم تصویب قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ بر لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، این ادعا را تایید می کند. ابتدای مواد قانونی راجع به شرکتهای اشخاص یعنی شرکت نسبی و شرکت تضامنی بر رویکرد نخست یعنی اجتماعی بودن شخصیت حقوقی شرکت قوی تر است. به عنوان مثال، ضرورت درج نام شریک در نام شرکت در مواد ۱۱۷ و ۱۸۴ قانون تجارت ۱۳۱۱ و امکان انحلال شرکت بعد از فوت شریک در مواد ۱۳۹ و ۱۸۹ همان قانون، از مهم ترین آثار اعتقاد به رویکرد نخست است.

در لایحه اصلاح قانون تجارت که در زمان نگارش این مقاله، یک سال از تصویب آن در مجلس شورای اسلامی می گذرد^{۵۲}، رویکرد دوم برای پذیرش موجودیت شخص حقوقی پذیرفته شده است. به موجب بند ۵ ماده ۶۶۱، بند ۳ ماده ۹۴۵، مواد ۴۹۵، ۶۷۴، ۸۲۳، ۹۳۳، ۹۴۳ و ۹۵۸، ثبت ملاک اعتبار تشکیل شرکت و سایر تغییرات مندرج در آن است. این رویکرد نظریه دوم یعنی فرضی و جعلی بودن شخصیت حقوقی را در نظام حقوقی ایران مورد تایید قرار می دهد. به نظر می رسد که ضرورت‌های اجتماعی و اقتصادی و نظم عمومی بر لزوم اعتبار اقدام مرجع تنظیم گر، یعنی اداره ثبت شرکتها را برای اعتبار آغاز و پایان حیات شخصیت حقوقی صحه گذاشته است. به نظر می رسد که زیانهای ناشی از تشتت مقررات قانون و لایحه تجارت (اسکینی، ۱۳۸۶: ۴۴)، اقتضای چنین وضوح و قطعیتی را دارد.

هرچند باور به تشکیل شخصیت حقوقی شرکت قبل از ثبت نیز باوری ناشناخته نیست (ستوده تهرانی، ۱۳۹۱: ۶۵) و ابهامات راجع به اعتبار معاملات و تصمیمات شخص حقوقی را از بین ببرد. بقای شخصیت حقوقی شرکت به رغم تغییر و یا فوت و انحلال سهامداران^{۵۲}، بقای شخصیت حقوقی

۵۲. در تاریخ ۱۴۰۳/۰۱/۲۸ این لایحه به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. متن کامل لایحه را می‌توان در این لینک مشاهده نمود:

<https://www.ekhtebare.ir/%D985%D8AA%D986-%DA%A9%D8A7%D985%D984-%D984%D8A7%DB%8C%D8AD%D987-%D8AA%D8AC%D8A7%D8B1%D8AA-%D985%D8B5%D988%D8A8-%DB%B1%DB%B4%DB%B0%DB%B3-%DB%B0%DB%B1-%DB%B2%DB%B8-%D985%D8B%AC/>

۵۳. ماده ۲۳۱ - در صورت فوت یا حجر یا ورشکستگی مدیر تصفیه اگر مدیران تصفیه متعدد باشند و مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط مجمع عمومی شرکت انتخاب شده باشد مدیر یا مدیران تصفیه باقیمانده باید مجمع عمومی عادی شرکت را جهت انتخاب جانشین مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته دعوت نمایند و در صورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نشود یا نتواند جانشین مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته را انتخاب کند یا در صورتی که مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط دادگاه تعیین شده باشد مدیر یا مدیران تصفیه باقیمانده مکلفند تعیین جانشین مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته را از دادگاه بخواهند.

شرکت تا پایان عملیات تصفیه برای پاسخگویی به مطالبات اشخاص ثالث^{۵۴}، عدم امکان تغییر تابعیت شرکت با تغییر تابعیت اعضای آن^{۵۵} برخی از آثار مثبت پای بندی به رویکرد دوم در نظام حقوقی ایران است.

به نظر می رسد که رویکرد سوم یعنی واقعی بودن شخصیت حقوقی آن، تاکنون وارد قوانین ایران نشده است. به عنوان مثال خرق حجاب شخصیت حقوقی شرکت یعنی عبور از شخصیت حقوقی شرکت و مسئول شناختن سهامدار یا شریک در برابر اشخاص ثالث، در رویه قضایی ایران وارد شده است^{۵۶} و قانون و لایحه تجارت به طور مستقیم آن را نپذیرفته است.

رویکرد دوم از حیث شفافیت و قابلیت پیش بینی آثار حقوقی در دکترین حقوق ایران نیز مدافعان زیادی دارد^{۵۷}. هرچند تا زمان تصویب لایحه و تأثیر تحولات آن هنوز راه طولانی در پیش است و مقاله حاضر وضعیت گذشته و فعلی حقوق ایران را در بخش شخصیت حقوقی مورد بررسی و نقادی قرار داده است.



۵۴. ماده ۲۰۸ - تا خاتمه امر تصفیه شخصیت حقوقی شرکت جهت انجام امور مربوط به تصفیه باقی خواهد ماند و مدیران برای تصفیه موظف به خاتمه دادن کارهای جاری و اجرای تعهدات و وصول مطالبات و تقسیم دارایی شرکت می باشند و هرگاه برای اجرای تعهدات شرکت معاملات جدیدی لازم شود مدیران تصفیه انجام خواهند داد

۵۵. ماده ۹۴ - هیچ مجمع عمومی نمی تواند تابعیت شرکت را تغییر بدهد
نکته مهم در خصوص تابعیت شرکت این است که گرچه تغییر تابعیت طبق ماده با اتفاق آرا در شرکتها با مسئولیت محدود طبق ماده ۱۱۰ قانون تجارت، ممکن است ولی این به معنای تحمیل تابعیت اعضا بر شخص حقوقی نیست زیرا شرکا می توانند به اتفاق آرا کشوری را برای تابعیت شرکت انتخاب کنند که کشور متبوع هیچ یک نیست.

۵۶. برای دیدن نمونه ای از رای خرق حجاب ر.ک به <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Attribute/5418>
و برای تحلیل این رای ر.ک به سلیمانزاده، سمیرا، خرق حجاب شخصیت حقوقی شرکت، مبانی و آثار، دوفصلنامه نقد و تحلیل آرای قضایی، دوره ۱، شماره ۲، بهمن ۱۴۰۱، صص ۳۱۶-۳۳۷

۵۷. کاویانی، کوروش، حقوق شرکتها تجارتی، چاپ سوم، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۱، ص ۴۹ و دمیرچیلی، محمد، حاتمى، علی، قرانی، محسن، قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، تهران، چاپ دهم، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۹، ص ۱۱۳، صفار، محمدجواد، شخصیت حقوقی، چاپ دوم، تهران، انتشارات بهنامی، ۱۳۹۵، ص ۲۳۱

نتیجه گیری

نیازهای اقتصادی و تجاری صاحبان سرمایه اقتضای شناسایی شخصیت حقوقی و به تبع شرکت تجاری به عنوان یک موجود مستقل را داشته است. در پاسخ به این نیاز، درک و پذیرش مفهوم شخصیت در بستر زمان رخ داده و در معرض اندیشه ورزی های متعددی قرار گرفته است. مکتب اجتماعی بودن شخصیت حقوقی شرکت، وجود شرکت را یک وجود تبعی و وابسته به اعضای آن می داند و برای شرکت به طور مستقل از اعضا، اعتباری قائل نیست. طبق این تئوری، شرکت در واقع همان شرکایی هستند که با نفع مشترک برای هدفی مشترک، گرد هم آمده اند. این تئوری که وجود مستقلی برای شرکت و دارایی آن قائل نمی شد شرکتها را بعد از فوت یا تغییر اعضا، خاتمه یافته تلقی می نمود و اهداف افراد و منافع ایشان را تامین نمی نمود.

رویکرد رقیب، یعنی فرضی بودن خصلت حقوقی شرکت، برای رفع نواقص مکتب نخست، ظهور یافت. رویکرد دوم که به فرضی و جعلی بودن شخصیت حقوقی معروف است، براین باور بود که ارزش و اعتبار شخصیت حقوقی، مستقل از اعضای آن است و این اعتبار برخاسته از مجوزی است که مقام صلاحیت دار در دولتها به آن اعطا می کند. بنابراین شرکتهای جاری موجودیت خود را از دولتها می گیرند و تا زمانی که دولت این مجوز را به شرکتهای تجاری ندهد، هیچ شرکت معتبری تشکیل نخواهد شد. این رویکرد گرچه ایرادات مکتب سابق را نداشت اما موجودیت شرکت را به دولتها پیوند میزد. چالش مهم در این رویکرد تغییر و جایگزینی دولتها و به تبع تزلزل حیات شرکتهای بود. رویکرد سوم که رویکرد غالب و مورد استفاده در عصر حاضر است، به نظریه واقعی بودن شخصیت حقوقی موسوم است. طبق این رویکرد شخصیت حقوقی شرکت به خودی خود موجودیت دارد، وابسته به مقام صلاحیت دار و دولت و یا شرکا و سهامداران تشکیل دهنده خود نیست. این رویکرد به قائل شدن به اصالت شخصیت حقوقی منجر می شود و آثار و توابع مخصوص به خود را با تاکید بر موجودیت شخصیت حقوقی دارد. یکی از مهمترین آثار این رویکرد، مسئولیت های حقوقی شرکتهای تجاری و مسئولیت سهامداران به تبع شرکتها در نتیجه عبور از شخصیت حقوقی شرکت است. رویکرد غالب در نظام حقوقی ایران، رویکرد دوم است. به نظر می رسد بر خلاف کشورهای حقوق نوشته، رویکرد سوم تاکنون وارد قوانین ایران نشده است ولی نظام حقوقی ایران از طریق رویه قضایی در حال پذیرش آن است.

منابع

الف) فارسی

- اسکینی، ربیعا، (۱۳۸۶)، حقوق تجارت، شرکتهای تجاری، جلد اول، تهران، انتشارات سمت، چاپ یازدهم، ۱۳۸۶
- اسلامی پناه، (۱۳۹۸)، علی، مکتب تاریخی حقوق، فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، دوره ۲، شماره ۲
- آقائظری، حسن، (۱۳۹۶)، بررسی فقهی حقوقی شخصیت حقوقی، فصلنامه حقوق اسلامی، سال چهاردهم، شماره ۵۴
- پاسبان، محمدرضا (۱۳۹۲)، حقوق شرکتهای تجاری، تهران، انتشارات سمت،
- پاسبان، محمدرضا، (۱۳۸۹) زمان پیدایش شخصیت حقوقی و پیامدهای آن، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال دوازدهم، شماره ۳۱
- پاسبان، محمدرضا، (۱۴۰۲) جلد اول کلیات، تاجر و اعمال تجاری، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم
- دمیرچیلی، محمد، حاتمی، علی، قرانی، محسن، (۱۳۸۹) قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، تهران، چاپ دهم، انتشارات گنج دانش،
- ستوده تهرانی، حسن، (۱۳۹۱) حقوق تجارت (جلد اول)، چاپ سی و سوم، تهران، نشر دادگستر،
- سلیمانزاده، سمیرا، (۱۴۰۱)، ابراهیمی، سید نصرالله، (۱۴۰۱) «اعمال فراسرزمینی قوانین و مقررات در گروه شرکتهای تجاری و بررسی مبانی آن»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۲۵، شماره ۹۸
- سلیمانزاده، سمیرا، جنیدی، لعلیا (۱۴۰۰)، «عبور از قواعد سنتی شرکتهای تجاری در گروه شرکتهای تجاری»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی شماره ۹۸
- سلیمانزاده، سمیرا (۱۴۰۱)، گروه شرکتهای تجاری، قانون حاکم و دادگاه صالح، چاپ دوم، تهران، شرکت سهامی انتشار،
- سلیمانزاده، سمیرا، (۱۴۰۱)، خرق حجاب شخصیت حقوقی شرکت، مبانی و آثار، دوفصلنامه نقد و تحلیل آرای قضایی، دوره ۱، شماره ۲
- صادقی نشاط، امیر (۱۳۹۷)، ماهیت حقوقی شرکتهای مدنی و تجاری، فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، دوره ۱، شماره ۱، دی
- صفار، محمدجواد (۱۳۹۵)، شخصیت حقوقی، چاپ دوم، تهران، انتشارات بهنامی
- فخلعی، محمدتقی، حائری، محمد حسن، قاسمی، محمدعلی (۱۳۹۳)، «تحلیل فقهی شخصیت حقوقی»، آموزه

های فقه مدنی، شماره ۹

- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۹)، تحول نهاد وقف و دورنمای آینده آن، مطالعه تطبیقی، نشریه نقد و نظر، شماره ۱ و ۲، ۱۳۷۹

- کاویانی، کوروش (۱۳۹۱)، حقوق شرکت‌های تجاری، چاپ سوم، تهران، نشر میزان،
<https://www.ekhtebare.ir/چهار-و-چهل-کلی-اصل-چهل-و-چهار>

ب) غیر فارسی

- Aghanazari, Hasan, (2017), legal and jurisprudential survey of legal personality, Islamic Law Quarterly, 14(54).97-125 (in Presian)
- Atiq, Emad H (2023)., Legal Positivism and the Moral Origins of Legal Systems, Canadian Journal of Law & Jurisprudence, vol. XXXVI No.1 February 2023, pp.37-64
- Beinert, D (1997), corporate acquisitions and mergers in Germany, Kluwer law international, Uk
- DamirChilli, Mohammad, Hatami, Ali, Gharaee, Mohsen, (2010), "Commercial Code in Current legal order", 10th edition, Tehran, Gang-e-Danesh publication, (in Presian)
- Demeyere, S, (2015), liability of mother company for its subsidiary in French, Belgium and English law, European Review of Private law, 23 (3), 385-413
- Dewby, John (1926), the historical background of corporate legal personality, Yale Law Journal, Vol. xxxv, No.6, April 1926, pp.655-673
- Eskini, Rabia, (2007), Law of Commercial Companies, vol. 1, 11th edition, Tehran, Samt publications, (in Presian)
- EslamiPanah, Ali, (2019), Historical School of Law, journal of research and development in comparative law, 2(2).11-20 (in Presian)
- Eva Micheler, Company Law - A Real Entity Theory, cited in https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=3783696
- Fakhali, Mohammad Taghi, Haeri, Mohammad Hasan, Ghasemi, Mohammad Ali, (2024), Jurisprudential analysis of legal personality, civil law lessons, 9 3-30 (in Presian)
- French Commercial Code, (2025) from: <https://wipo.int/edocs/lexdocs/laws/en/fr/fr199en.pdf> (In French)
- German Commercial Code, (2025), from https://www.gesetze-im-internet.de/englisch_hgb/englisch_hgb.pdf (In German)
- Katuzian, Naser, (2000), "Evolution of waqf and its future perspective, Comparative study", Review and Opinion Journal, 1&2 (in Presian)
- Kaviani, Koroush, (2012) Law of Commercial Companies, 3th edition, Tehran, Mizan publications, (in Presian)
- Maitland (1905), "Moral Personality and Legal Personality", Journal of the Society of Comparative

Legislation, 1905, Vol. 6, No. 2, pp. 192-200

- O'Connor, John D. (2021), "Natural Law and Ethical Non-Naturalism", Studies in Christian Ethics, (2021), Vol. 34(2) 190-208
- Pasban, MohammadReza, (2013), Law of Commercial Companies, Tehran, Samt publications (in Presian)
- Pasban, MohammadReza, (2010), The time of emergence of legal personality and its results, Public Law Researches Quarterly, 12(31). 1-44 (in Presian)
- Pasban, MohammadReza, (2023), Businessman and commercial activities, second editions, Tegan, Gang-e-Danesh publication, (in Presian)
- Parliament research center, (2025), Act of enforcement of principle of 44 of the Constitution, from
- <https://www.ekhtebare.ir/چهار-و-چهل-اصل-سیاستهای-کلی-اجرای-قانون> (in Persian)
- Parliament Research Center, (2025), Commercial Act, from <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/92349> (in Persian)
- Parliament Research Center, (2025), The bill of amendment of Commercial Act, from <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/96314>, (in Persian)
- Parliament Research Center, (2025), The cooperative companies Act, from <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/96613> (in Persian)
- Parliament Research Center, (2025), The cooperative section of IRI economy, From <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/91933> (in Persian)
- SadeghiNeshat, Amiar, (2017), legal substance of civil and commercial companies, Research and Development in Comparative Law, 1(1) 235-245 (in Presian)
- Saffar, Mohammad javad, (2015), Legal Personality, second edition, Tehran, Behnami Publications (in Presian)
- Setoode Tehrani, Hasan, (2012), Commercial law, vol.1, 31th edition, Tehran, Dadgostar publications, (in Presian)
- Soleimanzadeh, Samira, Ebrahimi, Seyyed Nasrollah, (2022), "Extraterritorial application of laws and regulations in corporate groups and its foundations", Legal Researches Quarterly, 25(98). 36-68 (in Presian)
- Soleimanzadeh, Samira, Joneydi, Laya, (2020), "Crossing the classic rules of commercial companies in corporate groups", Business Researches Quarterly, 98. 95-126 (in Presian)
- Solimanzadeh, Samira, (2022), Corporate Groups, Jurisdiction and the applicable law, second edition, Tehran, Samt Publications (in Presian)
- Soleimanzadeh, Samira, (2022), "Piercing the corporate veil", foundations and effects, analysis of judicial decisions Journal, 1(2). 316-337 (in Presian)
- Steiner, G, Cannon, Warren m (1966)., multinational corporate planning, , Collier Mac Millan Limited, New York

- Werhane, P and others, (2017), Cambridge handbook of research approaches to business ethics and corporate responsibility, Cambridge University press, Cambridge

